

از چه باید کرد گذشت، بهتر است بگوئیم چه میشود؟

خواهران و برادران محترم، سیاستمداران حاکم در میدان سیاست و سیاسیون خارج از قدرت نتوانستند به گمان این نگارنده جواب چه باید کرد را ارائه نمایند. همیشه دنبال حوادث شتافته و عکس العملی برخورد نموده اند، حال این هیچ کاره میخواید بگوید چه میشود! ما با حقیقت بینی، قضایای سیاسی وطن محبوب خود را تعقیب می نمایم.

نیرو های مسلح طالب و سائر مخالفین مسلح سیاسی در کشور به یک واقعیت انکار نا پذیر مبدل گردیده اند. چه موافق باشیم و چه مخالف از حضور فعال شان انکار، خود فریبی است. روابط قوی، محکم و انکار ناپذیر شان، بر علاوه پاکستان، و کشورهای اسلامی، با کشورهای آلمان، انگلستان، فرانسه، اخیراً هم از مطبوعات رسمی کشور و رئیس دفتر آقای کرزی، شنیده شد که: در سفر اخیر آقای کرزی در امریکا، به ایشان خاطر نشان ساخته شده است که گویا نیروهای طالبان افغان دشمن ستراتیژیک امریکا و جامعه جهانی نیست یا به عبارتی دیگر به منظور قلع و قمع نیروهای مقاومت مسلح مخالف دولت، قوای ائتلاف ناتو کمر نبسته است. ولی مبارزه علیه تروریسم و دهشت افکنی با القاعده و الفایده پا برجاست. که ای کاش این حقیقت مسلم در کنفرانس اول بن در محاسبه گرفته میشد. تا مردم ما پس از عالمی مصائب به صلح واقعی و باز سازی نائل می گردیدند که عمداً خواسته نشد.

حالا پس از 11 سال اشغالگری، زورگویی و تلفات سنگین به مردم خسته از جنگ، بخصوص هموطنان اسپر مناطق جنوب و سرحدی کشور که متحمل بالا ترین مظالم قوای ائتلاف، قوت های تنظیمی بنام دولت، طالبان و نیرو های دزد، قاچاق چی و . . . شده اند، و ادامه جنگ، برنده قاطع بجا گذاشته نمی تواند و ندارد. پس از این یگانه امکان، میز مذاکره و "صلح" به عنوان وسیله باقی مانده بشکل صادفانه، منطقی، عملی، عادلانه و قابل قبول برای تأمین منافع اکثریت خاموش مردم افغانستان، همسایگان، منطقه و قدرت های بازیگر جهان باید استفاده کاملاً معقول به دور از هیله و نیرنگ بکار گرفته شود.

صلح از طریق مذاکره و تفاهم یگانه راه معقول بوده، مشروط بر اینکه از هیچ چهره منفور افغانی، کشورهای خارجی و حلقات مافیایی بیرونی حمایت صورت نگیرد. مردم افغانستان نتایج تلاشهای ناکام صلح امتیاز طلبانه رژیم محکوم به سقوط دکتور نجیب الله و زد و بند های حکومت نامتجانس و نیروهای دولتی اما وابسته به نیروهای تجزیه طلب درون نظام "جناح کارمل و ملیشه دوستم، کشتنمندی، ستمی ها و . . . با رقابت و تقابل علیه نجیب الله و همفکران باقی مانده پرچمی و خلقی اش" خلاف ادعای کمونیستی و انترناسیونالیستی شان، در اثر منافع گروپی شان برای حفظ قدرت دشمنانه و قاتلانه علیه رفقای دیروز خود؛ و عملی نمودن دساتیر ولی نعمتان و پلان های شوم استعماری روسی، در تبتانی با ایران و هند، در خطوط زبانی و قومی تقسیم گردیده، و کانال هایی از قبل فعال نگهداشته شده استخباراتی، پاکستان و . . . معاملات ننگین بین احزاب چپ و راست "کمونیستی و جهادی" آغاز گردید، که از نتایج و تأثیرات منفی و حدوث آن تا فعلاً در روند ائتلاف سازی های سیاسی کشور نقش داشته، تأثیر گذار باقی مانده است.

این معاملات ننگین و تحوع آور گهنه به منظور در ذهن شما خواننده آگاه و با حافظه، تداعی گردید که ما دقیق در تکرار همان مراحل باطل با تفاوت های ظاهری آن سرگردانیم. صلح امتیاز خواهانه آقای کرزی، در مرحله نفس های اخیرش، "ختم دوره کاری اش"، دولت نا متجانس شان و رعایت دساتیر ولی نعمتان شان، بی اتفاقی و عدم استقلال سیاسی اپوزیسیون، و مهمتر از همه بیانات میان ثهی و خرام متبخر با نبود طرح سیاسی معقول و قابل قبول برای ملت افغانستان، بازی های گمرا کننده قوت های خارجی و دهها کمبود دیگر برای دولتمداری و آمادگی برای رسیدن به قدرت از جانب مدعیان آن با تأسف روشن و شفاف مطرح نگردیده است.

این اوضاع و احوال مبهم و غیر شفاف سیاسی کشور، جداً هر وطن دوستی که صاحب نکاوت سیاسی و بلوغ فکری می باشد، و مسیر حوادث را، خارج از دایره شیطانی قدرت می نگرند، نگران کننده بوده و میخوایم یک بار دیگر به همه فرزندان دلسوز، پاک و صادق کشور که به آینده هموطنان و قطعه خاکی بنام افغانستان واحد و تجزیه ناپذیر می اندیشند، تا قبل از رسیدن موعد تدویر انتخابات؟! مکتوم با تحلیل از وضع امنیتی موجود کشور با مسؤولیت و اطمینان گفته میتوانم، انتخابات به مفهوم و معاییر قبول شده آن دایر شده نمیتواند! مگر این که صندوق های حوزه انتخاباتی در داخل مقر ارگ ریاست جمهوری و محوطه های چند ولایات محدود، به منظور اغفال ذهنیت های جهانیان و نمایش مطبوعات جهان گذاشته شود، که این نمایش نامه را نمیتوان انتخابات نامید.

وقتی این دولت فاسد و بیکاره از عهده امتحانات کانکور پوهنتون برای چند هزار محصل جوان و تعلیم یافته کشور عاجز بوده و به تظاهرات و مداخله پارلمان کشانیده می شود، چگونه با تجارب دست داشته، انتظار انتخابات سراسری و شفاف را انتظار داشت!؟

این بدان معنی نیست که ما بدون داشتن اطمینان و داشتن بدیل قانونمند، عادلانه و بهتر از دولت فاسد و بخود گرفتار، خواستگار سقوط نظام موجود باشیم. تکرار اشتباهات گذشته نه امریکا و وزیر خارجه تازه تقرر یافته آن آقای جان کیری، نه آقای دوید کمرون، نه رئیسای جمهور یا صدراعظمان کشورهای فرانسه، چین، روسیه، آلمان و . . . سازمان ملل متحد، کنفرانس کشور های اسلامی و همه نهاد های مدنی و حقوقی؛ که بشکلی از اشکال در اوضاع و احوال جاری کشور ما دخیل و نقش جدی و تعیین کننده بازی می نمایند، اما به دلیل نبود تفاهم سترتیژی واحد شان، حق ندارند، اکثریت خاموش ملت افغانستان را که شامل هندو و مسلمان است، تنها گذاشته و یک بار دیگر کشور را به خواست و منافع کشور های همسایه، و نیروهای آزمون شده ای آله دست آنها و ضد منافع ملی کشور ما تحویل دهند.

نتایج کمک های نقدی به دولت فاسد کابل از جانب امریکا یا جامعه جهانی و در عین زمان تجهیز، اکملات و حمایت از مخالفین آن توسط همسایگان که اعضای سازمان ملل متحد و دوستان نزدیک همین قدرت های بزرگ جهان اند، جز جفا در حق 35 تا 40 میلیون انسان اسیر اکثریت خاموش افغانستان در چنگال غاصبین و مدعیان قدرت، و فرسایشی ساختن عمدی جنگ آنها برای منافع دیگران ولی در میدان تطبیقات آن، افغانستان جرّمی است نا بخشودنی!

پایان